

چه کسی از ترور در اروپا سود می برد؟ آیا افراطیون اسلام گرا در خدمت اسرائیل اند؟

رحمت بنی اسدی



بنیامین نتانیا هو نخست وزیر اسرائیل پس از رخ داد 7 ژانویه گذشته در پاریس که به کشتار شماری از روزنامه نگاران هفته نامه "شارلی ابدو" و سپس عده بی از یهودیان انجامید، بار دیگر سخنانش را مبنی بر بازگشت یهودیان به اسرائیل تکرار کرد. او پیش از این گفته بود و دوباره در بیانیه بی اعلام کرد: "من به همه یهودیان اروپا اعلام می کنم که اسرائیل چشم به راه شماست و شما را با آغوش باز می پذیرد." نخست وزیر اسرائیل هم چنین گفت: "دولت اسرائیل برای تشویق مهاجرت یهودیان فرانسه، بلژیک و اوکراین به اسرائیل، بودجه بی به مبلغ 180 میلیون "شیکل shekels" معادل 45 میلیون دلار اختصاص داده است."

یک روز پس از حمله تروریستی در کینه‌هاگ پایتخت دانمارک، نخست وزیر اسرائیل یهودیان اروپا را مورد خطاب قرار داد و گفت: "اسرائیل تنها خانه اصلی یهودیان است. ما آماده پذیرش مهاجرت گروهی و انبوه یهودیان اروپا به اسرائیل هستیم. تروریست های مسلمان، اروپا را تکان داده اند و باز هم یک یهودی دیگر تنها به خاطر این که یهودی است کشته شده است. این نوع حملات دوباره رخ خواهد داد."

در واکنش به اظهار نظر های نخست وزیر اسرائیل، دولت مردان اروپایی نیز تمام تلاش خود را به کار برده اند و ضمن دل جویی از یهودیان و دادن امتیازاتی مانند استقرار نیروهای پلیس و ارتش در مقابل مدارس و نمادهای مذهبی یهودیان سعی می کنند از دامنه حملات احتمالی به یهودیان یا از مهاجرت آنان بکاهند. مانوئل والس نخست وزیر فرانسه می گوید: "خانه یهودیان فرانسه، فرانسه است" او هم چنین می گوید: "فرانسه بدون یهودیان فرانسه نیست." فرانسوا اولاند نیز در سخنانی مشابه گفت: "یهودیان در اروپا به ویژه فرانسه جایگاه خود را دارند."

رییس شورای انجمن های یهودی فرانسه می گوید: برای یهودیان خیلی دشوار است از جمهوری رانده شوند، اما باید دریافت که برخی از آن ها وسوسه شده اند تا از کشور بیرون بروند. اما من فکر می کنم که ما باید در فرانسه بمانیم و علیه یهود ستیزی مبارزه کنیم."

مساله مهاجرت یهودیان به اسرائیل ، مساله تازه بی نیست. از فردای اعلام تاسیس کشوری به نام اسرائیل در 5 ژوئیه 1950 قانونی به نام " علیا " (واژه بی عبری **Alya, Alyah, Alya** به معنای صعود یا " تعالی معنوی " است) به وسیله مجلس (کینست) اسرائیل تصویب شد که به موجب آن هر یهودی وظیفه دارد که به اسرائیل مهاجرت کند. اما تشویق و برنامه ریزی دولت اسرائیل برای جذب مهاجران یهودی در سال های اخیر و اختصاص بودجه و امکانات لازم برای جذب آن ها شتاب بیستری گرفته است.

جامعه یهودیان اروپا در سال 2013 یک میلیون و دویست تا چهار صد هزار نفر برآورد شد که تنها یک دهم جمعیت یهودی در پیش از جنگ جهانی دوم است. بزرگ ترین جامعه یهودی اروپا هم اکنون در فرانسه و سپس در انگلستان و روسیه است. بحران اقتصادی و تبعات ناشی از آن که با اقلیت ستیزی و ضد یهودی " آنتی سمیتیسم " و نیز تشویق دولت اسرائیل همراه است، روند مهاجرت را گسترش بخشیده است.

با نگاهی به تاریخ مهاجرت یهودیان به اسرائیل از سال 1948 تا امروز می بینیم که این مهاجرت به وقفه ادامه داشته، اما در هر مقطع تاریخی و با توجه به شرایط ایجاد شده نوساناتی داشته است. در زیر به طور مختصر نگاهی به این آمار می اندازیم.

1948 – 1952 : بین سال های 1948 تا 2008، هر سال نزدیک به 50 هزار و 900 نفر یهودی به اسرائیل مهاجرت کرده اند. در سال های نخستین اعلام استقلال اسرائیل به عنوان یک کشور تازه تاسیس، نزدیک به 700 هزار یهودی وارد اسرائیل می شوند. اغلب آنان جان به در بردگان قتل عام در اروپا هستند. بیشتر مهاجران از اروپای غربی و نیمی از آنان نیز از کشور های عربی اند.

1952-1966: دومین موج مهاجرت وسیع یهودیان به اسرائیل در یک مقیاس 500 هزار نفری است و شامل یهودیان اروپای شرقی است. این موج ادامه ضدیت با یهودیان به دنبال جنگ میان اعراب و اسرائیل در سال 1956 است. هم چنین با استقلال کشورهای تونس و سپس الجزایر از زیر استعمار فرانسه، بیش از 250 هزار یهودی، کشورهای تونس، الجزایر و مراکش (کشور های مغرب) را به مقصد اسرائیل ترک می کنند. در این میان یهودیان مراکشی بیشترین اند.

1967 – 1969: موج کوچکی مرکب از 50 هزار یهودی به اسرائیل می رسد . این موج برخاسته از جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل و شامل آخرین دسته از یهودیان عرب و یهودیان اروپایی شرقی به ویژه لهستانی اند که با پیروزی اسرائیل بر اعراب تشویق به مهاجرت می شوند.

1970-1979: چهار صد هزار یهودی که اغلب روسی و اروپایی اند دست به مهاجرت به اسرائیل می زنند. این دسته بیشتر شامل یهودیان متعصب و صهیونیست های مذهبی اند.

1982 – 1985: نخستین موج یهودیان اتیوپی است که به اسرائیل می رسد. یهودیان اتیوپی به سبب درگیری و جنگ میان اریتره و اتیوپی و هم چنین سومالی ناگزیر به مهاجرت می شوند.

2005 – 1990: با تغییرات سیاسی در شوروی سابق صد ها هزار نفر از این کشور به اسرائیل می روند که شماری از اینان نسبت خانوادگی با هم دارند و در زمره یهودیان نیستند. تعداد مهاجران این سال را یک میلیون بر آورد کرده اند که در میان شان یهودیان دیگر نقاط اروپایی و هم چنین کشور اتیوپی دیده می شوند.

از سال 2006 به بعد، شمار مهاجران به اسرائیل روبه کاهش می گذارد. در سال 2007 برای نخستین بار در بیست سال اخیر تعداد مهاجران به کم تر از 20 هزار نفر می رسد. تعداد کسانی که از اسرائیل مهاجرت می کنند، بیشتر از مهاجرانی است که وارد می شوند. دلیل این کاهش را می توان در کل مهاجرت پس از تغییرات سیاست شوروی سابق است. بیشترین یهودیان این سرزمین به سوی آمریکا یا فرانسه می روند تا به اسرائیل. در سال 2007 تنها 2 هزار و 659 یهودی فرانسوی تصمیم به مهاجرت به اسرائیل گرفته اند. به نظر می رسد که گرایش مهاجرت

معکوس شده است، زیرا در سال 2012، 1907 نفر، در 2013، 3288 و در 2014 و طی هفت ماه نخست سال 2600 یهودی فرانسوی به اسرائیل مهاجرت کرده اند.

از سال های 1988 اسرائیل با پدیده تازه یی در مهاجرت روبه روست و آن مهاجرت روبه افزون کارگران غیر یهود است که برای کار برای یهودیان به این کشور می آیند. استفاده از نیروی کار خارجی از نخستین انتفاضه در 1988 آغاز می شود و در واقع طرح دولت اسرائیل برای جایگزین ساختن کارگران فلسطینی در غزه و کرانه باختری است. هم چنین از آغاز سال 2000، نزدیک به 300 هزار کارگر خارجی که اغلب اهل تایلند و رومانی اند، برای کار به اسرائیل آمده اند.

فراخوان دولت اسرائیل به مهاجرت یهودیان اروپا و دیگر نواحی جهان به این سرزمین دو سیاست هم زمان را دنبال می کند:

1 - رشد گلونی ها و شهرک ها در مناطق اشغالی. 2 - پیروزی جناح راست در انتخابات از طریق آرای مهاجران و ساکنان شهرک ها.

سرزمین اسرائیل از نظر جغرافیایی و وسعت در شرایطی نیست که سیل مهاجران را در شهر ها و در چارچوب مرزهای شناخته شده خود جای دهد و امکانات رفاهی لازم را برای شان فراهم سازد. از این رو، ایجاد "کلنی" و شهرک های تازه همواره در برنامه و دستور دولت است

هنگامی که در ماه ژوئن 1967 پس از جنگ "شش روزه"، اسرائیل نوار غزه و کرانه باختری و شرق بیت المقدس را اشغال کرد، کمی بعد یعنی در ماه سپتامبر همان سال، ساختمان نخستین شهرک یهودی نشین به نام "کفار عتصیون" در جنوب اورشلیم آغاز شد. (مقاله "صلح هم اکنون" - نشریه جنبش صلح در اسرائیل). در همان زمان دولت لوی اشکول، یهود سازی "judaisation" را در بخشی از اورشلیم آغاز کرد.

در نوامبر 1967 شورای امنیت سازمان ملل، قطع نامه 242 را تصویب کرد که طی آن اسرائیل را ملزم به "خروج نیروهای ارتش اسرائیلی از مناطق اشغال شده در جنگ اخیر" می کرد. اما طرح "لون" معاون نخست وزیر اسرائیل از حزب کارگر، بر اهمیت مناطق مرزی با اردن تاکید داشت. از این رو، ساختمان نخستین شهرک های یهودی نشین در مناطق کم جمعیت آغاز گشت.

در سال 1974 جنبش ناسیونالیست مذهبی در اسرائیل اعلام کرد که یهودیان در هر نقطه از سرزمین موعود می توانند خانه و شهرک بسازند.

در ماه مه 1977 هنگامی که حزب دست راستی لیکود به قدرت رسید، مناخیم بگین به عنوان نخست وزیر، خانه سازی در نوار غزه و کرانه باختری را قانونی کرد. در این زمان، 31 شهرک در خارج از اورشلیم شرقی بنا شده بود که در آن 4 هزار و 400 نفر زندگی می کردند.

یازده سال بعد، یعنی در 1984 شمار ساکنان در شهرک های یهودی غیر مجاز به 44 هزار نفر رسید.

در ژوئن 1992 با به قدرت رسیدن حزب کارگر، اسحاق رابین نخست وزیر شهرک سازی ها به طور موقت متوقف ساخت، اما شمار ساکنان این شهرک ها در نوار غزه از 112 هزار نفر در 1992 به 150 هزار نفر در 1995 رسید و در همین حال 170 هزار نفر در شهرک نشین های یهودی در خارج از اورشلیم زندگی می کنند.

پس از قرارداد اسلو در 1993، روند خانه و شهرک سازی در نواحی اشغالی ادامه یافتن و حتا دولت شروع به جاده سازی میان این شهرک ها کرد.

در اوت 1996 بنیامین نتانیا هو، طرح توقف شهرک سازی را که اسحاق رابین وضع کرده بود، لغو کرد. آرل شارون وزیر امور خارجه وقت، یهودیان را تشویق به ساخت و ساز بیشتر در نواحی اشغال شده می کرد. با به قدرت رسیدن اهود باراک در 1990، بیش از 180 هزار مهاجر در 123 شهرک یهودی در نوار غزه و کرانه باختری جا گرفتند.

وضعیت کنونی

بنا به گزارش بنیاد میدل است و سازمان دفاع از حقوق بشر اسرائیلی (بتسلیم B'Tselem)، در سال 2008 شمار ساکنان در شهرک های یهودی نشین در نوار غزه به 300 هزار نفر رسیده است و نیز 184 هزار و 700 نفر در شهرک های بیت المقدس شرقی مستقرند که در مجموع شمار یهودیان ساکن در شهرک های غیر قانونی نوار غزه و بیت المقدس شرقی به 475 هزار نفر می رسد. یاد آوری می شود که جمعیت اسرائیلی بنا به آمار سال 2005، بالغ بر 7 میلیون و 300 هزار نفر است و جمعیت فلسطینی کرانه باختری 2 میلیون و 300 هزار نفرند.

در گزارش B'Tselem با توجه به آمار های دولتی به تاریخ ژوئیه 2010 آمده است که نیم میلیون مهاجر ساکن 121 شهرک، 42 در صد قلمرو و اراضی کرانه باختری را در اشغال خود دارد و نیز صد ها شهرک و قرارگاه " وحشی " ایجاد کرده اند.

اغلب این مهاجران و ساکنان شهرک ها از فعالان یا اعضای حزب راست لیکود می باشند، در انتخابات به جناح راست رای می دهند و نیز دولت را برای اجرای پروژه " اسرائیل بزرگ " و خانه سازی های بیشتر در مناطق اشغالی تحت فشار می گذارند.

با توجه به کنوانسیون ژنو تمامی این شهرک ها غیر قانونی اند. اسرائیل تحت فشار افکار جهان در نوامبر 2009 به مدت ده ماه شهرک سازی را متوقف کرد. اما این توقف شامل پروانه های ساختمان که شامل 3 هزار خانه بود و پیش از این صادر شده بود نمی شد.

با روی کار آمدن اوباما به عنوان رییس جمهور آمریکا امید به حل این مشکل می رفت. نماینده مخصوص او دو روز پس از مراسم تحلیف در قاهره از آغاز دوره تازه یی میان آمریکا و کشور های عرب و مسلمان کرد. دولت اوباما از اسرائیل خواست تا شهرک سازی را متوقف کند اما، در نوامبر 2009 هیلاری کلینتون با دیدار از بیت المقدس عکس آن را اعلام کرد. در حالی که فلسطینی ها بر این باور بودند که با توقف شهرک سازی می توان پشت میز مذاکره نشست. کلینتون اعلام کرد که توقف شهرک سازی هرگز جزو پیش شرط مذاکره نبوده است.

نتانیا هو در مارس گذشته در مقابل نمایندگان کنگره سالانه آمریکایی اسرائیلی گفت: " یهودیان سه هزار سال پیش بیت المقدس را ساختند و امروز نیز آن را خواهند ساخت. بیت المقدس یک شهرک و یک کولونی نیست ، بلکه پایتخت ماست. "

17 سال پس از انعقاد قرارداد اسلو ، در حالی که مذاکرات صلح با کندی همراه بوده است، شهرک سازی بدون انقطاع ادامه دارد.

حمله تروریست ها به یهودیان در نقاط مختلف اروپا از جمله در بروکسل، پاریس و نیز دانمارک و ایجاد فضایی ملتهب و آشفته که با ترس و ناامنی همراه است، شرایط را برای ادامه سیاست های راست اسرائیل مساعد تر می سازد. اسرائیل بی شک تنها کسی است که از این فضای ملتهب بهره می برد، از این رو تنور را گرم نگاه می دارد و تحت عنوان فرار یهودیان ، پیوسته از مهاجرت سخن می گوید. در این مهاجرت بی انقطاع، زمین های اشغالی هرچه بیشتر به زیر ساختمان و ایجاد شهرک ها می روند و در این میان آن که بیش از هر کس دیگری آسیب می بیند، مردم فلسطین است. تروریست هایی که هر چند گاه به یک کنیسه یا یک مدرسه یهودی در اروپا حمله می کنند، در پی

تنش زدایی نیستند، بلکه آگاهانه یا غیر آگاهانه در خدمت و اهداف سیاست های اسرائیل اند و گام به گام دولت این کشور را در بلعیدن زمین های دیگران بیشتر یاری می رسانند و پایه های آن را محکم تر می سازند.